



یاد

نوازنده پیشکسوت قره‌نی دار فانی را وداع گفت

عباس تهرانی، هنرمند پیشکسوت ساز قره‌نی و مؤلف کتاب «آهنگ‌های فولکلور» که سال‌های زیادی را صرف فعالیت‌های متعدد پژوهشی و اجرایی موسیقی کرد، دار فانی را وداع گفت.

به گزارش روابط انجمن موسیقی ایران، عباس تهرانی، هنرمند پیشکسوت ساز قره‌نی و مؤلف کتاب «آهنگ‌های فولکلور» که سال‌های زیادی را صرف فعالیت‌های متعدد پژوهشی و اجرایی موسیقی کرد، روز یکشنبه ۲۵ اسفند دار فانی را وداع گفت.

عباس تهرانی‌تاش متولد ۱۳۰۷ در تهران، مبدع ردیف‌آوای ایرانی با ساز کلارینت است که سال‌ها با ساز غربی نوای شرقی را به گوش علاقه‌مندان موسیقی رساند. او از آخرین نوازندگان قره‌نی در موسیقی ایرانی بود که در سال‌های دور، از محضر اساتید برجسته موسیقی بهره‌برد. این هنرمند از دوران کودکی مجذوب موسیقی شد و خیلی زود در ارکسترها و رادیو راه پیدا کرد. وی در رادیو و تلویزیون فعالیت داشت و در آموزشگاه موسیقی به تدریس شاگردان می‌پرداخت.

او تحصیل جدی موسیقی را ابتدا در محضر سروان مین‌باشیان (افسر موزیک نظام) آغاز کرد. سپس در هنرستان عالی موسیقی ثبت‌نام کرد و در این حین نزد استاد حسینیعلی وزیری‌تبار ردیف‌های موسیقی ایرانی را فرا گرفت. پس از تأسیس رادیو همکاری خود را با این رسانه فراگیر آغاز کرد و در برنامه‌های موسیقی رادیو ارتش نیز شرکت می‌جست. کار نوازندگی خود را در ارکستر بزرگ مهدی خالدي و همچنین ارکستر برادران نورین دنبال کرد و سپس به ارکسترهای علی محمد نامداری و شاپور نیاکان پیوست. همچنین با ارکستر شمارهٔ ۳ به سرپرستی حسین شهبازیان و نیز ارکستر «شما و رادیو» به سرپرستی ناصر زرآبادی همکاری بسیاری داشت و پس از تشکیل برنامه «گل‌ها» به همت داوود پیرنیا به جرگه نوازندگان گل‌ها پیوست.

عباس تهرانی به غیر از کلارینت که ساز تخصصی اوست با نواختن اکثر سازهای بادی به‌ویژه ساکسیفون آشنایی کامل دارد. (آثار صوتی او پس از انقلاب می‌توان به آلبوم «تکنواژان ۱» اشاره کرد که ایشان با همراهی هنرمند ارزنده تنبک آقای ایزدکروایی به تکنوازی و بداهه‌نوازی در مایه دشتی، دستگاه ماهرور، دستگاه همايون، بیات ترک و بیات اصفهان پرداخته است.

قلم

«کرونا» به «جمالزاده» پیوست

بخش ویژه «کرونا» به دومین دوره جایزه ادبی «جمالزاده» اضافه شد. این جایزه با هدف ایجاد انگیزه نوشتن و احساس امید به زندگی در این روزهای فراموش‌نشدنی، از روایت‌های واقعی روزمره، در تجربه روایترویی با ویروس کرونا و حاشیه‌های پیرامون آن، بخش ویژه‌ای را به همین نام به جایزه اضافه کرده است.

بخش ویژه «کرونا» در این جایزه ملی زیرمجموعه بخش «زندگی نگاره و نادر استان‌ها» تعریف شده و علاقه‌مندان به نادر استان نویسی می‌توانند تجربیات خود را از روزهای کرونا و مواجهه با آن در هر جای جهان در این بخش ثبت کنند. این تجربیات شامل زندگی در روزهای قرنطینه و مواجهه با دنیای بیرون می‌شوند و آنچه بیش از همه برای دست‌اندرکاران این جایزه اهمیت دارد، پیداشدن نسبت کرونا با شهر در نوشته‌هاست؛ به هر حال دوران قرنطینه نوعی حبس است و هر کدام از آدم‌ها از پس گذران این روزها به روایاها و حسرت‌هایی بیرون از خانه می‌اندیشند؛ یعنی این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد که هرکس در خود قرنطینگی به بودن در کدام نقطه جغرافیایی و نزد کهسانی فکر می‌کند. به نوعی جایزه «جمالزاده» با اضافه کردن این بخش در پی تصویر نسبت مکان کوچک خانه با شهر در این روزهاست.

نویسندگان می‌توانند در بخش ویژه «کرونا» هم از تجربیات خود به عنوان پرستار، پزشک، بیمار و شهروند با این موضوع بنویسند و هم حسرت روزهای کرونا و آنچه را در این ایام به آن می‌اندیشند به نگارش دریاورند.

آثار متقاضی در این بخش شامل قوانین کلی جشنواره می‌شوند و هر شرکت‌کننده می‌تواند سه اثر به بخش «کرونا» ارسال کند. مهلت ارسال آثار به این جایزه تا ۲۵ فروردین ماه ۹۹ است و مراسم اختتامیه این رویداد تیرماه سال آینده در اصفهان برگزار می‌شود. عموم علاقه‌مندان می‌توانند برای دریافت فرم ثبت‌نام جایزه «جمالزاده» و اطلاعات بیشتر به پایگاه اینترنتی amalzadehaward.ir (مراجعه کنند.



این خواننده امسال آلبوم موسیقی منتشر نکرده و تنها چند تك آهنگ از او شنیدیم. آخرین آلبومش سال گذشته منتشر شد و شهر دیوونه نام داشت، شاید خواجه امیری در سال آینده خواننده‌ای پُرکار شود و این تك آهنگ مقدمه‌ای باشد برای فعالیت‌های پُررنگ‌تر او در سال ۹۹.

کند در روزهای خانه‌نشینی همراه‌مان باشد. این کار که طبعاً آخرین تك آهنگ خواجه امیری در سال ۹۸ است «بی‌قرار» نام دارد و توسط نشر «ققنوس» منتشر شده است. زهرا عاملی ترانه‌سرا، مجتبی مصری آهنگساز، بهروز صفاریان تنظیم‌کننده و فرشاد ادهمی نوازنده گیتار گروه اجرایی را تشکیل می‌دهند.



رفته‌ایم سراغ یکی از سالن‌های تماشاخانه سرو که این روزها و در تعطیلی تئاتر در پویش «تئاتر تعطیل نیست» مشغول تهیه ماسک و گان بوده و آنها را به بیمارستان‌ها و اقشار آسیب‌پذیر جامعه می‌رساند

از بچه‌های قم یاد گرفتم

اما چه شد که شفיעی به فکر افتاد تا این حرکت فرهنگی را راه بیندازد. او در این باره می‌گوید: مصطفی یکی از هنرمندان تئاتری شهرستان قم وقتی شرایط پیش آمده را در شهرش دید پارچه‌هایی را که برای دوخت لباس‌های نمایش تازه‌شان تدارک دیده بود، به دوخت ماسک برای مردم اختصاص داد. همین کار بیات موجب شد فکر کنم می‌توانیم ما هم مروج کار خوب او باشیم و در این شرایط حساس کشور قدمی برای بهبود شرایط برداشته باشیم. او ادامه می‌دهد: به کمک فضای مجازی و لطف مردم کار خیلی سریع شکل بزرگ‌تری به خود گرفت و اکنون ۲۳ واحد خانگی هم مشغول به کار شده‌اند. همچنین سه تولیدی پوشاک به ما پیوسته‌اند و در حال کمک کردن به ما هستند. با توجه به تجهیزاتی که برای دوختن ماسک‌ها دارند هم برای ماکمک بسیار خوبی محسوب می‌شوند. مدیر تماشاخانه سرو همچنین می‌گوید این روزها در حال تولید گان هم هستند تا نیاز بیمارستان‌های کشور را تا حدی که می‌توانند برطرف کرده و گوشه‌ای از کمبود گان را جبران کنند. اینها همه یک طرف ماجرا و تاثیر روانی اتفاقی که تئاتری‌ها رقم زده‌اند، یک طرف دیگر. وقتی از شفיעی می‌خواهم واضح‌تر بگویم چرا در روزهایی که می‌تواند خودش را در خانه قرنطینه کند دست به چنین اقدامی زده، با یک جمله کوتاه چند کلمه‌ای مهم‌ترین و تاثیرگذارترین جمله را به زبان می‌آورد: «من در خانه‌ام هستم، وطن خانه من است».

از جنگ با دشمن تا جنگ با کرونا

او می‌افزاید: من هنرمند کمتر از بچه ۱۷ ساله‌ای نیستم که شب‌ها مسجد را ضد عفونی می‌کند، یک روز با دشمن باید بجنگیم و یک روز با ویروس. در هشت سال جنگ تحمیلی هم این مردم بودند که موفق شدند نه دولت، حالا هم مردم باید پای کار این جنگ تازه بایستند، چون مردم نباشند هیچ دولتی نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. آنها که پشت جبهه بودند مردم بودند و آنها هم که در خط مقدم حضور داشتند، باز از مردم بودند. شفיעی با تاکید بر نقش مهم هنرمندان می‌گوید: ما هنرمندیم باید حواسمان باشد مسؤولیت به مراتب بزرگ‌تری داریم. می‌توانیم به فرهنگسازی کمک کنیم و پای جامعه‌مان بایستیم. این مردم همان کسانی هستند که وقتی ما روی صحنه می‌رویم بلیت نمایش‌هایمان را می‌خرند و زندگی‌مان را می‌چرخانند. حالا وقتی درد دارند من باید سکوت کنم یا فقط به فکر سلامت خودم باشم؟ نمی‌توانم. این هنرمند عنوان می‌کند: خیلی‌ها به من گفتند این کار را نکن. گفتند اینجا تماشاخانه است، نه تولیدی. من هم جواب دادم اینجا بخشی از خاک ایران است و هر کاری که به نفع مردم باشد می‌تواند در آن انجام شود. حالا که تئاتر تعطیل شده ما می‌توانیم از تماشاخانه برای کمک به جامعه استفاده کنیم، چه روی صحنه باشیم و بازی کنیم چه در کنار صحنه مشغول دوخت ماسک باشیم.

شفיעی تاکید می‌کند: این که ما چقدر می‌توانیم تولید و کمک کنیم یک بخش موضوع است، اما بخش مهم‌تر تاثیر روانی حرکت‌های جمعی است که در آن همگی می‌خواهیم برای حل مشکلی همگانی فعالیت کنیم. امیدوارم این حرکت حتی به اندازه یک درصد هم که شده بتواند حال مردم را بهتر کند و برای همه ما انگیزه‌ای باشد که بدانیم در کنار هم هستیم و از پس این جنگ هم برمی‌آییم.

اما کمک‌ها فقط محدود به مردم نیست، در تهیه بسیاری از اقلام هنرمندان و تهیه‌کنندگان سینما هم همکاری کرده‌اند. شفיעی می‌گوید: یک بازیگر موفق با من تماس گرفت و گفت من می‌ترسم از خانه بیرون بیایم، اما بغض‌آلودم از فداکاری تو و دیگرانی که می‌توانید در قرنطینه گوشه خانه‌هایتان باشید، اما مسیر دیگری را انتخاب کرده‌اید. شجاعت تو و بقیه را ستایش می‌کنم و می‌توانم کمک مالی کنم.

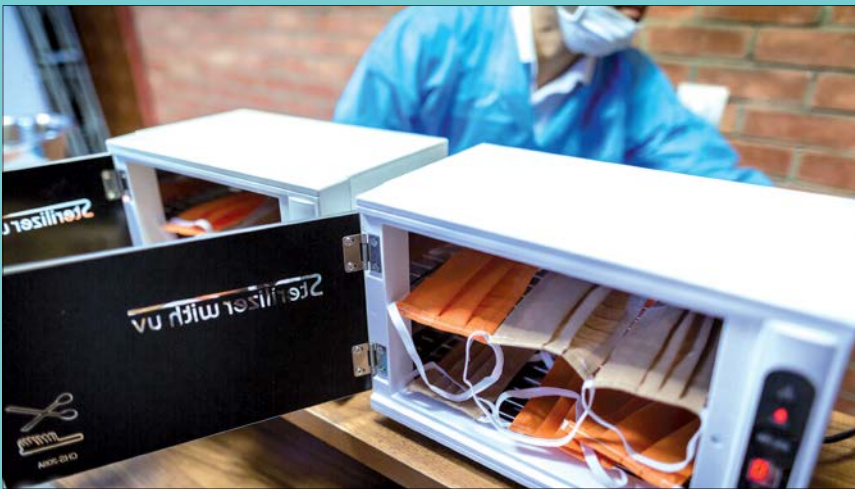
وقتی صحبت‌های شفיעی تمام می‌شود به این فکر می‌کنم که از این به بعد هر وقت از مقابل تماشاخانه سرو عبور کنم، شعر معروف سعدی را زمزمه خواهم کرد: ای سرو بلند قامت دوست وه وه که شمایلت چه نیکوست...

این سرو، با همه سروهای سبز جهان هم فرق دارد. اینجا بخشی از خاک ایران است که آدم‌هایش در روزهای سخت ناامنی روانی جامعه هم یادشان نرفته قلبشان برای وطن می‌تپد.

آخرین قطعه احسان خواجه امیری در سال ۹۸ منتشر شد

احسان خواجه امیری، خواننده موسیقی پاپ که زمانی بسیار پرکار بود و کنسرت‌های متعددی را برگزار می‌کرد، حالا تقریباً کم‌کار شده و چند وقت یک‌بار خبری از او می‌شنویم.

او در این روزهای آخر سالی تصمیم گرفته تك آهنگ تازه‌ای منتشر و سعی



چون سرو علیه ویروس

«اینجا يك تکه از ایران است. مهم نیست نامش چیست و کار اصلی‌اش چه چیز است، مهم این است که يك تکه از ایران باید در روزهایی که حال و طن خوش نیست سرپا بایستد و برای بهتر شدن حال ایران تلاش کند.» اینجا تماشاخانه سرو است و این جملات شیرین و امیدبخش را امیرحسین شفיעی، مدیر تماشاخانه می‌گوید. اصلاً بهتر است بنویسیم اینجا سرو است و یادآور همان درختی است که در همه حال و همه فصول ایستادن را بلند است. این روزها که تماشاخانه‌ها، سالن‌های سینما و رویدادهای فرهنگی و هنری همه تعطیلند، هشتگ تئاتر تعطیل نیست در فضای مجازی خیلی‌ها را باخبر کرد از اتفاق خوبی که این روزها در تماشاخانه سرو در حال رخ دادن است. هنرمندان تئاتری دور هم جمع شده و حرکت زیبایی را شروع کردند که حالا با کمک مردم و هنرمندان دیگر عرصه‌ها به اتفاقی تاثیرگذار تبدیل شده است.



زینب مرتضایی فرد
فرهنگ و هنر

چرا تئاتر تعطیل نیست؟

وقتی تماشاخانه‌ها تعطیل می‌شود، شفיעی بیکار نمی‌نشیند و تصمیم می‌گیرد اتفاقی تازه را رقم بزند. از چند هنرمند تئاتری دعوت می‌کند تا دور هم جمع شوند و شروع کنند به دوختن ماسک‌های بهداشتی، بعد هم آنها را بین اقشار آسیب‌پذیر کودکان کار و کارتن خواب‌ها بخش کنند. این تلاش کوچک و ساده برای پیشگیری از شیوع بیشتر ویروس کرونا در شرایطی آغاز می‌شود که شفיעی و دیگر هنرمندان پیوسته به این حرکت شروع می‌کنند به تهیه پارچه با هزینه شخصی و بررسی شرایط استریل‌زه کردن ماسک‌ها و... در همان قدم‌های ابتدایی هم خیلی‌ها به آنها می‌پیوندند، از بازیگران و تهیه‌کنندگان سینما گرفته تا مردم عادی و تولیدکنندگان لباس و...

کمک‌های حیرت‌انگیز مردم

الهام شعبانی، بازیگر و طراح لباس یکی از هنرمندانی است که در پویش «تئاتر تعطیل نیست» مشغول کار است. او در این باره می‌گوید: وقتی به دعوت آقای شفיעی به این حرکت پیوستم و به تماشاخانه سرو آمدم فقط دو تا چرخ خیاطی داشتیم و با هزینه شخصی‌مان خرید کرده بودیم. اما همین که مردم متوجه این اتفاق شدند آن قدر برایمان پارچه و امکانات آوردند که متعجب بودیم. عده دیگری اعلام کردند برایمان مواد ضد عفونی‌کننده محیط می‌آورند تا برای پاکسازی سالنی که در آن کار می‌کنیم مشکلی نداشته باشیم و ماسک‌ها در شرایطی کاملاً بهداشتی تولید و تهیه شوند. او می‌افزاید: بعدتر کارگاه‌های خانگی و چند تولیدی بزرگ هم پیشنهاد کردند برای تولید ماسک‌ها به ما کمک کنند، اما نکته مهم این است که تمام ماسک‌های تولیدی کاملاً ضد عفونی می‌شوند، با کمک خیран دو دستگاه یو یو استریل‌کننده خریده‌ایم که همه ماسک‌ها در آنها کاملاً ضد عفونی می‌شوند تا از نوع ویروس و باکتری پاک شوند.

آن طور که شعبانی می‌گوید، ماسک‌ها تا هفته پیش بیشتر در گرمخانه‌ها، بین افراد کم‌بضاعت و کودکان کار توزیع شده‌اند، اما حالا راهی استان‌های محروم هم شده‌اند. او در این باره گلایه‌هایی هم داشته و می‌گوید: هم درباره بهداشتی بودن ماسک‌ها برخی‌اما و اگرهایی را بیان کردند که ما برایشان بارها تمام مراحل را توضیح داده‌ایم تا بدانند ماسک‌ها در شرایط بهداشتی و کاملاً استریل‌زه تهیه می‌شوند. ضمن این که برخی دیگر هم می‌گویند حالا این ماسک‌ها به چه کار می‌آید!

او ادامه می‌دهد: اولاً که کاملاً قابل شست‌وشو بوده و تا سه روز می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند.

ضمن این که از نظر روانی هم افراد جامعه با داشتن آن خاطری آسوده‌تر دارند. این کاری است که از دست ما برمی‌آید و فکر می‌کنیم بهتر از دست روی دست گذاشتن است.

این بازیگر تئاتر در پایان صحبت‌هایش می‌گوید:

امیدوارم تلاش‌هایمان به جای خوبی برسد و بتوانیم با مردم در این روزهای سخت همراهی کرده باشیم.

با مردم در این روزهای سخت همراهی کرده باشیم.